

تیتراژ امروز

«وطن امروز» گزارش می‌دهد؛ اجرای پروژه راه‌آهن شلمجه - بصره چگونه ایران را به شرق مدیترانه متصل می‌کند

ریل مقاومت



اینستکس روی کاغذ ماند

رئیس سازمان حمایت: ۴ خودرو ساز متخلف به تعزیرات معرفی شدند

پیش فروش خودرو ممنوع شد

استعفاي نخست‌وزیر بر بریتانیا چه تبعاتی به دنبال دارد؟

انگلیس در خماری پس از می

«وطن امروز» گزارش می‌دهد؛ هیاهوی بولتون و پمپئو مبنی بر تحرکات تهدیدآمیز ایران علیه نیروهای آمریکایی در منطقه، به فروش ۸ میلیارد دلار تسلیحات نظامی به گاوهای شیرده عربستان و امارات منتهی شد!

گاوچرانی!



بازنده‌های ترحم‌برانگیز

امیر استکی

دهد، آن هم به این دلیل ساده که در او پذیرشی نمی‌دیده است و امتناع از او یک میل عقده‌وار سرکوب شده را در او بیدار می‌کرده است. رهبر انقلاب هم بارها در زمانی که نطفه برجام در حال انعقاد بود با چنین استدلالاتی سعی در روشن کردن موضع‌شان نسبت به کل ماجرا داشتند. ایشان خود را «بدبین نسبت به حسن‌نیت آمریکایی‌ها و اروپایی‌ها» نشان دادند و مذاکره کردن را با توجه به تمنای که در میان عمده نخبگان جمهوری اسلامی برای سازش می‌دیدند، بسر مقاومتی که حقیقتاً خود شاهد تن به مصالحه داد. این قصه را هزاران بار با اشک و حسرت شنیده‌ایم و این‌بار در کشور خود شاهد تکرار آن هستیم. رسانه‌های مانند بی‌بی‌سی «که به علت ماهیت دولت انگلستان و کلاروپای الیگارش، به نحوی آشکار و پنهان با نیروهای سیاسی در معنای کلان محافظه‌کار همسو است» پرچمدار خروج وطنی شده است و هیچ بدش نمی‌آید شکست دسته‌جمعی از آمریکایی‌ها را به گردن کس دیگری غیر از مقصران اصلی آن بیندازد. لوزرها در عالم واقع بیشتر ناله می‌کنند؛ ناله‌هایی که رنگی از پذیرش اشتباهات را در خود دارد ولی گونه‌ای از آنها پر خاشک‌رانی فرافکن هستند که ساخت خود را از اشتباهه مصون می‌دارند و کم بودن اختیارات و امکانات را مشکل اساسی خود می‌دانند. آنها حتی اگر از تنظیم قیمت سبزمینی و بیاز هم در دولتی که زمام اختیارات را در دست دارند ناکام باشند، باز هم مشکل را در جایی خارج از خود می‌بینند. دیوار حاشا نیز که به قول قلم‌بلند و آسمان و ریسمان هم که تا دل تان بخواید پهناور و عریض است. به قول یکی از جامعه‌شناسان سیاسی کشور، دولت جناب روحانی دولت اختتامیه است و کاش پیش از آنکه کار بیش از این بیخ پیدا کند، این عزای اختتامیه تمام می‌شد، چرا که این روند فقط یک حکومت را به چالش کشیده است، بلکه یک ملت را با صورت به سمت خاک سیاه فلاکت می‌کشاند.

و معتدل مردان، برای منکوب کردن رقبا به کار گرفته می‌شود، در حالی که این دلواپسان از معدود شیروهای سیاسی جمهوری اسلامی هستند که در ۴۰ سال اخیر یک پیش‌بینی محقق شده انجام داده‌اند. این تحلیل‌گران که اکنون باید گرمی داشته شوند، کماکان با چوب لعن و نفرین لوزرهای فسیل‌شده رانده می‌شوند. بهانه‌جویی و یافتن مقصری غیر از خود، بزرگ‌ترین ویژگی این افراد است. اینها یازندگان هستند که ذره‌ای تقصیر در این شکست کلان برای خود متصور نیستند. از طرف دیگر به جد به دنبال یافتن شریک برای وضعیت خود هستند و سیاست‌ورزی در ایران را به وساحت دعواهای خاله‌زنکانه تقلیل داده‌اند. اکنون این افراد و شرکای منطقی‌شان در اروپا که همان فعالان سیاسی رسانه‌ای فراری باشند، به دنبال این هستند که نقش دولت روحانی و خود را در این زمینه کمرنگ کنند و تقصیرات را به گردن رهبر انقلاب بیندازند که چرا ایشان که با تصویب برجام همراه بوده‌اند، اکنون خود را بدبین و مخالف آن جلوه می‌دهند؟ این اگر استدلال خاله‌زنکانه نیست پس چیست؟ رهبر انقلاب در همه سال‌هایی که بر مسند راهبری انقلاب اسلامی تکیه زده‌اند، استفاده از اختیارات و توان قانونی خود را همراستای برنامه‌های کلان دولت‌های برآمده از رای مردم تنظیم کرده‌اند و مگر در موارد خاص در زمینه اجرا و ایده‌های اجرایی وارد عمل نشده‌اند. اگر این مساله بر خلاف این بود حداقل یک دولت در جمهوری اسلامی نمی‌توانست عمر خود را به انتها برساند. دولتی که به احتمال بسیار زیاد همین دولت کنونی با حجم عظیمی از ناکارآمدی و ناتوانی بود. مثل رفتار رهبر انقلاب در این زمینه‌ها، رفتار پدری است که نمی‌بسنند در رفتار فرزند به سن بلوغ رسیده خود دخالت کند، اگرچه می‌بیند و می‌داند او مسیر کاملاً صحیحی را در پیش نگرفته است. این فرزند بعد از اینکه در راهی که انتخاب کرده بود به مشکل برخورد، اگر شخصیتی بازنده داشته باشد، پدر خود را مقصر اصلی می‌داند. آن هم با این استدلال که او که می‌دانست و می‌توانست چرا جلوی مرا نگرفت؟ در صورتی که پدر برای فرزندی که از آینده‌نگری او امتناع دارد، به واقع کاری نمی‌توانسته انجام

انسان‌هایی که تلاش‌شان با ایده‌های‌شان شکست می‌خورد راه عمده و بدیهی خوانده شده است یا می‌پذیرند و گزینه‌های بعد از پذیرش را طی می‌کنند یا نمی‌پذیرند و بیراهه‌های پس از آن را گز می‌کنند. مثلاً رئیس‌جمهوری که ایده‌هایش شکست خورده و حتی در تدبیر امور پیش پا افتاده کشور خود هم عاجز و ناکارآمد است، چگونه باید رفتار کند؟ مردانه‌اش همان پذیرش شکست است. حالا یا می‌شود ادامه داد و کار را بهتر پیش برد یا نمی‌شود اما بیراهه انکار شکست و به گردن دیگران انداختن تقصیرها، جز ترحم دلسوزانه، چیز بیشتری را در میان ناظران بر نخواهد انگیزخت. این نوع رفتار را در زندگی معمولی، تیپ رفتاری انسان‌های بازنده یا لوزر معرفی می‌کنند. اطراف همه ما مملو از چنین انسان‌هایی است. خود ما هم شاید به نحوی چنین رفتارهایی داشته باشیم. این رفتارها همه معطوف به گذشته است. سخن گفتن از اشتباهات و اما و اگرهای فراوانی که برای روزهای از دست رفته می‌شود دست و پا کرد. اگر زمین فلان جا را نفروخته بودم، اگر فلان زمین را خریده بودم، اگر فلان کس به من می‌گفت که فلان تصمیم را بگیرم، اگر فلان مقام مسئول جلوی رخ دندان فلان حادثه را می‌گرفت، آنگاه هزاران اتفاق دیگر نمی‌افتاد و قس علی هذا. این حالات را شاید همه کم و بیش تجربه کنیم اما باید بدانیم بسیاری از این حالات ناشی از وارونه کردن سیر حوادث و تعدادی نیز برای فرار از پذیرش شکست و ناکارآمدی است. برجام در معنای موسع خود برآمده از ایده‌های بخش بزرگی از نخبگان جمهوری اسلامی بود؛ تمنای برای عادی‌سازی رابطه با جهان بیرون از ایران - در حقیقت آمریکا - و هم‌زمان حفظ امتیازات برآمده از ساخت جمهوری اسلامی با هم خدا و هم خرما، ساده‌لوحانه و مردم‌فریبانه اما بنشدت تبلیغ شده به نحوی که در سال‌های ابتدایی دولت جناب روحانی کمترین انتقادهای به این ایده‌ها چنان با هجوم‌های شدید از چندین جهت مواجه می‌شد که فرد یا گروه منتقد باید قید حداقل آبروی خود را برای یافشاری بر ادامه منطقی انتقادش می‌زد. کما اینکه برجسب دلواپس هنوز هم به شکل یک فحش رکیک سیاسی توسط اصلاح‌طلبان

بس کن آقای ظریف!

حسن رضایی

خواسته نشده بود با ظریف دیدار کند! همه از آن خبر داریم - واگذاری امتیازات یکجانبه هسته‌ای - که هنوز هم ادامه دارد - و خسارت‌های هنگفت دیگر در ابعاد اجتماعی و ... روشن شده است. کشور، نظام و مردم، تاوان لازم برای حرکت در نقشه قزوین منظر آقایان ظریف، روحانی و لاریجانی را پرداخته‌اند. جان کری، وزیر سابق خارجه ایالات متحده هم قریب یک سال پیش در مصاحبه‌ای گفته بود: «ما هم قصد داشتیم با مطرح کردن مسائل منطقه‌ای و موشکی و دادن هلتی به ایران برای اجرای خواسته‌های آمریکا در این زمینه، به موقعش از برجام خارج شویم. اشتباه ترامپ این بود که اول خارج شد و بعد تقاضای مذاکره کرد!» با وجود این مستندات روشن و دردناک، به‌راستی اگر کشور تماماً ملک شخصی کسی هم بود، آیا حاضر می‌شد باز هم تئوری در مسیر خود ایجاد نکند؟! خلاف این استدلال روشن، این روزها ما خبرهای تلخی از اقدامات مشکوک آقای ظریف منتشر می‌شود.

بخش رسانه‌های شده این اقدامات شامل دیدار وی با داین فینشتاین، سناتور دموکرات ایالت کالیفرنیا در سفر چندی پیش وزیر امور خارجه به آمریکا است. سخنگوی دفتر نمایندگی ایران در سازمان ملل اخیراً با تأیید دیدار مذکور گفته است: «این جلسه در راستای روند عادی‌سازی روابط با اعضای ایران با اعضای کنگره انجام شده است.» تاریخ دیدار مذکور به روایت نشریه آمریکایی پلیتیکو، شامگاه ۲۵ اردیبهشت به وقت تهران بوده است. اقدام محمدجواد ظریف در دیدار با این سناتور دموکرات اما در حالی انجام شده است که یک روز پیش از آن، رهبر فرزانه انقلاب در دیدار رضایی با مسؤولان نظام، مذاکره با آمریکا را سم و مذاکره با دولت کنونی این کشور را سم مضاعف خوانده بودند. مسأله وقتی جالب‌تر می‌شود که بدانیم وزیر خارجه آمریکا گفته است از فینشتاین

محاسباتی به قیمت وضعیت اقتصادی کشور - که همه از آن خبر داریم - واگذاری امتیازات یکجانبه هسته‌ای - که هنوز هم ادامه دارد - و خسارت‌های هنگفت دیگر در ابعاد اجتماعی و ... روشن شده است. کشور، نظام و مردم، تاوان لازم برای حرکت در نقشه قزوین منظر آقایان ظریف، روحانی و لاریجانی را پرداخته‌اند. جان کری، وزیر سابق خارجه ایالات متحده هم قریب یک سال پیش در مصاحبه‌ای گفته بود: «ما هم قصد داشتیم با مطرح کردن مسائل منطقه‌ای و موشکی و دادن هلتی به ایران برای اجرای خواسته‌های آمریکا در این زمینه، به موقعش از برجام خارج شویم. اشتباه ترامپ این بود که اول خارج شد و بعد تقاضای مذاکره کرد!» با وجود این مستندات روشن و دردناک، به‌راستی اگر کشور تماماً ملک شخصی کسی هم بود، آیا حاضر می‌شد باز هم تئوری در مسیر خود ایجاد نکند؟! خلاف این استدلال روشن، این روزها ما خبرهای تلخی از اقدامات مشکوک آقای ظریف منتشر می‌شود.

بخش رسانه‌های شده این اقدامات شامل دیدار وی با داین فینشتاین، سناتور دموکرات ایالت کالیفرنیا در سفر چندی پیش وزیر امور خارجه به آمریکا است. سخنگوی دفتر نمایندگی ایران در سازمان ملل اخیراً با تأیید دیدار مذکور گفته است: «این جلسه در راستای روند عادی‌سازی روابط با اعضای ایران با اعضای کنگره انجام شده است.» تاریخ دیدار مذکور به روایت نشریه آمریکایی پلیتیکو، شامگاه ۲۵ اردیبهشت به وقت تهران بوده است. اقدام محمدجواد ظریف در دیدار با این سناتور دموکرات اما در حالی انجام شده است که یک روز پیش از آن، رهبر فرزانه انقلاب در دیدار رضایی با مسؤولان نظام، مذاکره با آمریکا را سم و مذاکره با دولت کنونی این کشور را سم مضاعف خوانده بودند. مسأله وقتی جالب‌تر می‌شود که بدانیم وزیر خارجه آمریکا گفته است از فینشتاین

در شبکه‌های اجتماعی

پیامک خوانندگان
۱۰۰۰۲۳۲۱

@vatanemrooz